Archive of SID
صفحات ۶۵ - ۷۶
نشریه هنرهای زیبا • شماره ۳۱ • پاییز ۱۳۸۶

بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)

فریناز فربود *[۱] ، دکتر محمد رضا پورجعفر[۲]

[۱] دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
[۲] دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۲/۵ ، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۴/۲)

چکیده:

منسوجات بافته شده در دوران ساسانیان (۲۲۵-۶۳۰م.) -که آخرین مرحلهٔ هنر کهن شرقی است - به لحاظ زیبایی بصری، نقوش نمادین و تزیینی، کاربرد رنگ و فن بافت، از شاخصه‌های هنر ایران زمین به شمار می‌روند. آوازهٔ این منسوجات در جهان کهن، بسیاری از تمدن‌ها از جمله تمدن‌های مجاور مانند بیزانس را به سمت وام گرفتن از نقوش این پارچه‌ها سوق داده بود. در این مقاله سعی شده تا پس از ترسیم پیش زمینه‌های تاریخی، سیاسی و هنری و ارتباط امپراتوری ساسانی و روم شرقی با روش تاریخی، تحلیلی و مقایسه ای، به بررسی چگونگی تأثیر بافته‌های ساسانی بر منسوجات بیزانس پرداخته شود. تمرکز بررسی حاضر بر نقش مایه‌ها، مضامین به کار رفته در طراحی بافته ها و ترکیب‌بندی منسوجات ایران ساسانی و امپراتوری بیزانس بوده، ضمن این که توجه به تقابل نقش و معنا نیز از نظر دور نمانده است. با وجود قلت نمونه‌های باقی مانده از منسوجات ادوار مورد بررسی- به ویژه دورهٔ ساسانی- مقایسهٔ آنها، نشان از تأثیر ژرف نقوش نمادین و تزیینی منسوجات ایران ساسانی بر منسوجات روم شرقی دارد. این که با وجود اقتدار آیین مسیحیت به عنوان دین رسمی این امپراتوری، مفاهیم نمادین و نقوش مذهبی ایران باستان همچنان جلوه بخش هنر ایشان است، خود نکته‌ای در خور تأمل است.

واژه های کلیدی:

منسوجات (بافته) ، ابریشم، نقش، مفهوم نمادین، ایران ساسانی، روم شرقی (بیزانس).

* نویسنده مسئول: تلفن/ نمابر: ۸۸۰۰۸۰۹۰-۰۲۱ ، E-mail: farinaz.farbod@Gmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

مهارت و ابتکار ایرانیان در هنر بافندگی، از سابقه‌ای بس دیرین، برخوردار است. پژوهش های خانم باربر[1]، وجود پارچه های راه راه را در شوش و در هزارهٔ چهارم پیش از میلاد تأیید می کند (Barber, 1991,164).

حدود سه هزار تا سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد، بافتن پارچه لطیف حتی با چرخ بافندگی معمول بوده است. از بعضی نقوش ساغرهای مفرغی لرستان که به سبک آشوری است، طرح هایی روی پارچه لباس ها دیده می شود که ظاهراً کل آن در خود پارچه بافته شده بوده، اما نظر عمومی بر این است که در این زمان روی پارچه ها را گلدوزی و ملیله دوزی می کرده‌اند (پوپ، ۱۳۸۰، ۹۷).

کهن‌ترین پارچه به دست آمده از فلات ایران، منشأ گیاهی و بافت ظریف دارد. محل کشف این پارچه شهر سوخته و قدمت آن ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد می باشد(سجادی، ۱۳۸۰، ۳۰).

هخامنشیان در بافتن پارچه‌های پشمی نرم و لطیف مشهور بوده‌اند. نقوش کاشی‌های لعابی بناهای هخامنشی در شوش، نمونهٔ این پارچه‌های گلدار دیده می‌شود که قطعاً طرح آنها روی پارچه گلدوزی شده است (پوپ، ۱۳۸۰، ۹۷).

اما شهرت هنر پارچه بافی ایران، در دورهٔ ساسانیان به اوج خود رسید؛ وجود پارچه‌هایی با اشکال هندسی و نیز رواج بافته‌هایی با طرح‌های گیاهی، حیوانی و انسانی پیچیده و مجلل دراواخر این دوران، تکنیک نساجی بالا و وجود دستگاه های بافندگی بسیار پیشرفته را تأیید می‌کند. زیبایی این بافته‌ها بدان حد بود که بیشتر تمدن های بزرگ آن روزگار خواهان پارچه‌های ساسانی بودند و یا از نقوش آنها در بافته‌های خود استفاده می‌کردند. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، دادوستد پارچه‌های ابریشمی با سایر کشورها خصوصاً روم شرقی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین و تجملی‌ترین کالا های تجاری، رونق بسیار یافت.

این مقاله با توجه به موقعیت هنر ساسانی به عنوان هنری ایرانی که در زمان خود به منزلهٔ پلی در حد فاصل تمدن‌های کهن آسیا و تمدن قرون وسطای اروپا قرار داشته است و به واسطهٔ توانایی های خود، قدرت تأثیرگذاری و نفوذ بر هنر اقوام مجاور را داشته است، بر آن است که به سنجش تأثیر منسوجات ساسانی به ویژه دوران ساسانی متأخر به عنوان نقطه اوج و شکوفایی این هنر بر منسوجات روم شرقی پیش و پس از تفکیک، از منظر نقوش مورد استفاده در آنها بپردازد و زمینه های این تأثیر و چگونگی آن را بررسی نماید.

در نهایت با مطالعهٔ تطبیقی و مقایسهٔ نقوش، سعی در بیان میزان ارتباط آنها و دلایل تأثیر پذیری هنر پارچه بافی بیزانس ازمنسوجات ساسانی را داریم.

هنر و صنعت نساجی ساسانیان

هنر و صنعت نساجی

هنر و صنعت نساجی در ایران باستان، پس از تجربه‌ای در دورهٔ ساسانی شکوفا می‌شود و طرح ها، رنگ‌ها و نقش‌های مذهبی و ملی ایران بر بستر بافته‌ها جان می‌گیرد و به مظهری از هنر و اندیشهٔ ایرانی تبدیل می‌شود .

گیرشمن در بررسی یک نقاشی دیواری ساسانی، متعلق به نیمهٔ اول قرن چهارم میلادی، به دو سوار شکارچی اشاره می‌کند که یکی از آنها لباس بلند گلی رنگی دربردارد که با نخ‌های زرین بافته شده و دارای نقش‌های لوزی شکل و به نوعی کاملاً هندسی است(گیرشمن، ۱۳۵۰، ۱۸۳) و این خود کهن‌ترین سند تصویری دربارهٔ بافته‌های ساسانی است.

در زمان پادشاهان بعدی از جمله خسرو دوم این هنر پیشرفت شایانی کرد. در دورهٔ سلطنت وی، ابریشم بافی، بافت پارچه‌های کتانی، پنبه‌ای، پشمی و قالی به والاترین حد خود رسید و هنرمندان در واقع ذوق بزرگان و سلیقهٔ رایج دربار را در آثار خود منعکس می‌کردند. تئوفیلاکتوس، وصف هرمزد چهارم، جانشین انوشیروان را، چنین آورده است: شاهنشاه شلواری زربفت پوشیده بود که آن را با دست گلابتون دوزی کرده بودند و بهایی گزاف داشت(کریستین‌سن، ۱۳۶۸، ۵۲۶-۵۲۵).

بنا به رسوم در دو عید بزرگ سال، نوروز و مهرگان، بزرگان هدایایی تقدیم شاه می‌کردند. شاه نیز متقابلاً در عید نوروز، جامه‌های زمستانی و در عید مهرگان، البسهٔ تابستانیش را تقدیم می‌نمود. دستار(یعنی دیهیم) زربفت و مزین به مروارید بنا بر روایت پروکوپیوس، پس از مقام سلطنت بزرگترین نشانهٔ افتخار بود (کریستین‌سن، ۱۳۶۸، ۵۲۸-۵۲۷).

تنوع پارچه‌های آن دوران به حدی بود که هر فصل پارچهٔ مخصوص خود را داشت. در بهار شاهجانی و دبیقی؛ در تابستان توزی[2] و شطوی و در پاییز منیررازی[3] و ملحم مرزوی[4] و در زمستان خز[5] و حواصل[6]؟ و در سرمای سخت، خز آستردار که میان آن از قز انباشته بود(کریستین‌سن، ۱۳۶۸، ۶۱۵).

www.SID.ir

Archive of SID

هوارد، مورخ مشهور فرانسوی می‌نویسد: در زمان ساسانیان ...در شوشتر و بلاد دیگر خوزستان نوعی پارچه از پر مرغ ماهیخوار، قو و کرک آن درست می‌کردند که پربهاترین منسوجات و در لطافت و ظرافت بی مانند بوده است.آمین رموزه، تاریخ نویس رومی هم می نویسد: انواع چیت و پارچه های گلدار و یا منسوجاتی که روی آن صورت آدمی و حیوانات را طرح کرده‌اند، از ایران به اروپا می رفته است"(نعمت‌الهی،۱۳۷۳، ۱۸).

در پایان قرن ۵ یا آغاز قرن ۶ میلادی، روش عمل آوردن کرم ابریشم از آسیای میانه به ایران منتقل گردید و در جریان سده ۶ میلادی، تولید ابریشم در واحه مرو و گرگان معمول گردید(گرانتوسکی،۱۳۵۹، ۱۷۱). بنابر شواهد تاریخی تولید پارچه های ابریشمی در ایران را می توان مصادف با پادشاهی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) دانست. مسعودی می گوید: شاپور دوم بافندگانی را از آمیده در شمال بین النهرین به شوش و دیگر شهرهای خوزستان- که تا قرون متمادی مهم‌ترین مرکز نساجی ایران گردید- کوچ داد و آنها گونه‌های تازه‌ای از پارچه‌های ابریشمی و زری را رواج دادند. این داستان را گویا گزارشی در کارنامهٔ شهیدان، دربارهٔ پوسی[۷] نامی که گویند رییس کارگاهی وابسته به کاخ شاپور در شوش و بعد ها در کرخادی لیدان بوده تأیید می کند. کار ویژهٔ وی بافتن ابریشم زربفت بود (یارشاطر، ۱۳۷۷، ۶۴۴).

از سوی دیگر نوشته های مورخان قدیم دربارهٔ تخصص پیشه‌وران بعضی از شهرهای ایران در تولید پارچه‌هایی همچون حریر لطیف در اهواز، ... ابریشم در شوش و نیز پارچه‌هایی در عسکر مکرم[۸] ویژهٔ بادبان کشتی و سفر، از ابریشم بافته می‌شده است ... و نیز "کشفیات باستان شناسی حکایت از آن دارد که غرب آسیا در روزگار ساسانی نسبت به سرزمین چین در زمینهٔ تولید منسوجات پیشرفته تر بوده است (ریاضی،۱۳۸۱، ۴۲-۴۱).

در دوران کواد (قباد) در ابتدای قرن ششم و احتمالاً در دوران خسرو اول، این صنعت در ایران چنان توسعه یافت که ایرانیان که تا آن زمان به عبور دادن ابریشم خام قناعت می کردند، مصمم شدند خود، منسوجات ابریشمی صادر کنند. تا بدانجا که طبق گفتهٔ سیدونیوس آپولیناریس[۹] (۴۳۰ -۴۸۴ م.) اسقف کلرمون[۱۰] منسوجات ساسانی و آویز های دیواری در منتها الیه غرب کشور گل(فرانسه) نیز می رفته و در آنجا مشهور و مورد ستایش بوده است.(Pope,1960 ,697)

بسیاری از این پارچه های ساسانی از عبادتگاه ها و مکان‌های مقدس مسیحی در اروپا و حفاری های باستان شناسی در محوطه‌هایی چون آستانا ، ترکستان ، پالمیر و دورا- اروپوس، تاریم ترکستان و آنتی نوئه در مصر به دست آمده است.

نقوش بافته‌های ساسانی

سال‌های امپراتوری بین دوران پادشاهی شاپور اول تا اوایل قرن پنجم میلادی، دوران آرامش و رونق داخلی بود. این امر موجب شکوفایی واقعی هنر و معماری شد که شکوفایی صنعت نساجی نیز بازتابی از آن است. در سده‌های بعد و با تولید ابریشم خام در داخل کشور صنعت بافندگی به اوج شکوهمندی خویش رسید. "یک نقاشی آبرنگ روی گچ از شوش، متعلق به قرن چهارم میلادی، یک شکارچی را در لباس بی آستین مزین به یک لوزی ساده که با استفاده از رشته‌های زرین نمایش داده شده، نشان می‌دهد. لباس بی آستین اردشیر دوم در نقش برجستهٔ طاق بستان متعلق به قرن چهارم نیز تزیینات سادهٔ هندسی را نشان می‌دهد"(هرمان،۱۳۷۳، ۱۵۲). در حالی که پارچه‌های نشان داده شده در نقش برجسته‌های طاق بستان، مجموعهٔ پیچیده‌ای مرکب از طرح‌های رمزی، گیاهی و هندسی دارد. مثلاً، لباس شکار شاه با نقش پرندهٔ افسانه‌ای سیمرغ، همراه با نقش مایه‌های گیاهی که داخل حلقه‌هایی قرار گرفته تزیین شده است؛ در حالی که بسیاری از ملازمین او لباس‌هایی به تن دارند که با استفاده از نقوش پرندگان، گل‌ها و گیاهان یا نقش مایه‌های مدور تزیین شده است."برای صحنهٔ دیهیم بخشی حتی چنین پارچه‌های پر نقش و نگار جهت نمایش شکوه شاه کفایت نمی‌کرد و لباس خسرو تقریباً سراپا با سنگ‌های قیمتی که به لباس دوخته شده تزیین گردیده است" (هرمان،۱۳۷۳، ۱۵۲).

می‌توان گفت این طرح‌ها برداشتی از طبیعت و یا برگرفته از مفاهیم دینی یا ادبی بود که همین امر در خلق نماد های پیچیده و رمزی که خود باعث جذابیت و خاص بودن طرح‌های منسوجات ایرانی می‌شد، بسیار تأثیرگذار بود.

نقوش بافته‌های ساسانی را گاه موضوعاتی از قبیل: نمایش شاه و یا بزرگان در حال شکار حیوانات وحشی، جنگ و... تشکیل می‌دادند که اکثر آنها در قاب بندی‌های دایره وار(جدا یا مماس) و یا هندسی که توسط گره‌هایی به هم می‌پیوستند محصور می‌شدند. لویی واندنبرگ در این باره می‌گوید: "موضوع نقوش زربفت‌های ساسانی بیشتر به صورت قرینه سازی درآمده است. این موضوع‌ها گاهی از خطوط هندسی ترکیب یافته است و گاهی نیز مربوط به نباتات است ولی غالباً ترکیبی از ترنج‌هایی است که در میان آن موضوع معینی تکرار شده است." (واندنبرگ، ۱۳۶۸، ۲۵۵). ابن خلدون گوید: "در خلعت‌های شاهانه، عادتاً تمثال همایونی را نقش می‌کردند یا تصاویری را می‌بافتند که علایم سلطنتی را در بر داشت"(کریستین‌سن، ۱۳۶۸، ۵۳۷).

گاهی زینت جامه‌ها عبارت بود از لکه‌های ابر، که اصطلاحاً آن را ابر نیکبختی گویند و مأخوذ از آثار چینی است و گاهی گل‌های چهارپر، دارای ترکیب بندی شطرنجی ...گاهی هم در روی پارچه مروارید حقیقی دوخته اند"(کریستین‌سن، ۱۳۶۸، ۶۱۴-۶۱۳). بعضی پارچه‌ها را با تصویر حیواناتی مثل میش کوهی، گراز، مرغابی، سیمرغ، خروس و...تزیین کرده‌اند. بعضی از نقش‌ها به صورت مرکب طراحی می‌شوند، مرغابی‌هایی که رشته‌های برگ لوزی شکل آنها را احاطه نموده‌اند و در فاصله آنها اشکال ستاره، گل یا تاج مروارید دوزی قرار دارد. گاهی هم

www.SID.ir

Archive of SID

صفحات مدوری رسم کرده اند ، که شاخهٔ سدر یا صورت پرندگان در آنها قرار دارد(کریستین سن، ۱۳۶۸ ، ۶۱۴). طرح های دیگری با موضوع حیوانات رو به درخت زندگی و صحنه های رمزی شکار و گل های درشت و نخل ها وجود داشتند (بوسایلی،۱۳۷۶، ۱۰۰).

در انتها باید ذکر نمود که گاه علایم نجومی همچون خورشید و ماه نیز در نقش پارچه ها دیده می شدند (گیرشمن،۱۳۵۰ ، ۲۰۰).

هنر و صنعت نساجی روم و بیزانس

امپراتوری روم و ابریشم

اگر قول فلوروس[11] ، تاریخ نگار لاتینی در سدهٔ نخست میلادی را باور کنیم، رومیان طی پیکارهای خود با پارتیان، آن بیرق های ملیله دوزی با رنگ های تند ، اولین پارچه های ابریشمینی بود که تا آن زمان می دیدند(بولنوا، ۱۳۸۱، ۴۴۱).

میل و رغبت به ابریشم، در نخستین قرن پیش از میلاد در روم جای خود را باز کرد. ابریشم، تجملی فراتر از همه تجمل ها بود و در آغاز برای درست کردن لباس به کار نمی رفت. قیمت گزاف ابریشم باعث شد که آن را به صورت زیورهای کوچکی که "ملیله دوزی و با ارغوان رنگین شده بود یا به شکل نوارهایی موازی بر جلوی ردا و یا به صورت لب دوزی، تکه ای و گل نواری روی لباس بدوزند "(بولنوا، ۱۳۸۱ ، ۳۸).

منسوجاتی که پیش از تجزیهٔ امپراتوری روم نزد رومیان شناخته شده بود، عبارت بودند از: پارچه های کتانی، پنبه ای، کرکی، سریکوم[12] و نیز منسوجات جزایر کوس و آشور که هنر رشتن و بافتن بومبی سین[13](نوعی ابریشم وحشی) در آنجا ابداع شده بود"(بولنوا، ۱۳۸۱ ، ۳۸). اما ابریشم وحشی یا خیلی کدر بود و یا بسیار تیره که خوب رنگ نمی گرفت.

هنر و صنعت نساجی امپراتوری روم شرقی

فروپاشی امپراتوری روم که با تجزیهٔ اسمی آن به امپراتوری های شرقی و غربی در اواخر سدهٔ سوم آغاز شد ، پیامدهایی را در بر داشت. امپراتوری روم شرقی که عملاً ولی نه رسماً در اوایل سدهٔ پنجم از امپراتوری روم غربی جدا شد ، امپراتوری بیزانس(۱۴۵۰-۵۵۰ م.) نام گرفت (گاردنر،۱۳۶۹ ، ۲۲۰).

همسایگی دو قدرت بزرگ ایران و بیزانس باعث جنگ های بسیار میان آنها و به تبع آن انعقاد صلح های مشروط متعددی نیز بود. یکی از دلایل کشمکش ها، دفاع ایران از انحصار های اقتصادی و تجاری اش در مورد حق عبور ابریشم از خاور دور بود. این چنین به مدت قرن ها، مبارزه ای سرسختانه میان این دو قدرت بزرگ درگرفت تا این مادهٔ اولیهٔ بی جانشین را به بهترین بها برای خود به دست آورند. اما ابریشم چینی در دست ایرانیان بود و رومیان مجبور بودند هر بهایی را که ایشان بطلبند ، بپردازند. چرا که در بیزانس، مصرف ابریشم، بیش از پیش افزایش می یافت و موقعیت مذهبی جدید ، راه های نوینی را برای استفاده از ابریشم گشوده بود. فرمانروایان، بزرگان و روحانیان لباس رسمی خود را ابریشمین انتخاب نمودند و در کلیساها پارچه های ابریشمی گستراندند[14] ،همچنین رسم شد که مردگان والامقام را با کفن ابریشمین به خاک می سپردند. قسطنطنیه، پایتخت جدید ، صنعت و تجارت را در خود متمرکز ساخت و امپراتوران، انحصاری سلطنتی بر شاخه های بنیادین صنایع از جمله نساجی دایر کردند. ابریشم هم در شمار فرآورده های انحصاری در آمد. کارگاه های خصوصی شام و مصر در همان زمان، واکنش آن را متحمل شدند (بولنوا، ۱۳۸۱، ۱۴۷). کارگاه های نساجی قسطنطنیه که منحصراً برای دربار کار می کردند ، موسوم به جیناسیا (زن سرا) شدند ؛ چرا که تنها زنان در آنها کار می کردند (فرانک،۱۳۷۵ ، ۱۹۴).

با این وجود بیزانسی ها بیش از پیش خواهان پارچه های ایرانی بودند. منسوجات بافته شده در بیزانس در اغلب موارد آنها را مورد تقلید قرار می دادند و گاه برخی نشانه های رومی وار از قبیل تزیینات خاص لباس روم شرقی و یا چهره های روبرو با چشمانی دایره ای شکل را در آنها وارد می کردند.

وجود بدعت هایی در مسیحیت از قبیل نظریه نسطوریوس[15] در ربع دوم سده پنجم میلادی باعث شد تا پناهندگان مسیحی نسطوری[16] ، در سایر کشورها، خصوصاً ایران پناه گیرند. از آنجا که جایگاه اصلی مسیحیان نسطوری در ایران، شهر نصیبین، یعنی کانون ایرانی ابریشم[17] بود ؛ می توان رابطه ای را میان هجرت بافته ها و در نتیجه نقوش ایرانی با این واقعه حدس زد. در نتیجهٔ هجرت این عده بود که غرب در نهایت به راز تولید ابریشم خام دست یافت. اما به دلیل کیفیت پایین ابریشم تولیدی، صنعت ابریشم بیزانس همچنان حریصانه در جستجوی مادهٔ خام بیگانه بود. هرچند"در سال ۵۶۲ م.، صلحی پنجاه ساله میان ایران و بیزانس انعقاد یافته بود که ورود ابریشم خام را از آن سو تضمین می کرد" (گیرشمن،۱۳۵۰ ، ۳۴۰).

نقوش بافته های بیزانس

بیزانس با آنکه در سیاست مربوط به ابریشم درست عمل نکرد و همچنان در برابر سد ایرانیان به عنوان دومین صنعت جهانی ابریشم پس از چین مستأصل مانده بود، اما در تنوع تکنیک و بافت پارچه های زیبا گام های بلندی را برداشته بود.

در قرن سوم میلادی و آغاز دوران ساسانی، دو مکتب هنری بر نقوش مورد استفاده در مسیحیت مؤثر بوده اند: یکی هنر هلنیستی متعلق به شهرهای بزرگ یونانی شرق از جمله اسکندریه، آنتیوش و افر بود و دیگری در بیت المقدس و نواحی سوریایی به ویژه انطاکیه به وجود آمده بود... که ریشه در تصویرهای کهن آسیایی داشت (گیرشمن،۱۳۵۰ ، ۲۹۳).

www.SID.ir

Archive of SID

تأثیر ویژهٔ ایران در هنر بیزانسی، به واسطهٔ قدرت برتر آن نسبت به سایر ممالک رقیب روم شرقی و جایگاه ویژهٔ آن به لحاظ تشریفات درباری و نیز هنرهای تجملی خصوصاً ابریشم و پارچه‌بافی بود. دیوکلسین، امپراتور پیش از دوران قبول مسیحیت بیزانس، لباس‌های سلطنتی خود را از پوشش‌های شاهانه و جواهر نشان ایران اقتباس می‌کرد (صفا، ۱۳۵۰، ۴۴).

تنها موردی که تفاوت عمده‌ای میان نقوش بیزانسی و ساسانی محسوب می‌شود، مربوط به پارچه‌هایی با موضوع مذهبی است؛ چرا که هنر بیزانسی، با اینکه صرفاً یک هنر مذهبی نیست اما به نوعی هنری روحانی است که با دین مسیح پیوندی ناگسستنی دارد(Cormak,2000,5). تئودوره، اسقف سیر[۱۸] گزارش می‌دهد که "در زمان او برخی سناتورهای مسیحی که تاریخ کامل زندگی مسیح را در جبه‌های خود بافته یا دوخته‌اند کم نبوده‌اند" (گدار، ۱۳۷۷، ۳۰۲).

نکتهٔ بسیار مهمی که در تغییر رویهٔ هنری روم شرقی نقشی تعیین کننده داشت، جنبشی معروف به شمایل شکن‌ها حد فاصل سال ۷۲۶ م تا ۸۴۳ م بود که به درگیری خانگی بر سر نمایش تصاویر در کلیساهای مسیحی درگرفت (توین‌بی، ۱۳۷۸، ۴۷۸). در سال ۷۲۶م. امپراتور لئوی سوم به طور رسمی بازنمایی صورت های مقدس و الهی را در هنر دینی ممنوع ساخت... و اسقفی در روزگار امپراتور ژوستینین، آویزی پارچه‌ای در کلیسای خود را که دارای تصویری از مسیح بود پاره کرد (تالبوت رایس، ۱۳۸۰، ۹۲).

طبیعی است که در فاصلهٔ زمانی تحریم شمایل، نقوش منسوجات بیش از پیش از ایران ساسانی وام گیرند. از طرفی، بسیاری از نقش مایه‌های نمادین و مذهبی ایرانی در روم مفاهیم جدیدی یافت. مانند طاووس"که در اصل از شگفتی‌های بهشت ایران برخاسته بود و رومیان آن را با بی مرگی آسمانی برابر کرده و مسیحیان آن را نشانه رستاخیز مسیح دانسته‌اند". همچنین تاک‌ها و برگ موهای مورد استفاده در هنر ساسانی که به عنوان نمادی از درخت زندگی بودند در هنر بیزانسی معرف سرچشمه‌ی خون رهایی بخش مسیح گشتند(گاردنر،۱۳۶۹، ۲۳۴).

نکتهٔ دیگر در مورد نقوش منسوجات بیزانسی این بود که برخی از طرح‌ها، ترکیبی از عناصر قبطی[۱۹]، هلنیستی و ایرانی بود.

دلایل تأثیر هنر نساجی ایران بر بیزانس

- رومیان از دوران پارتیان خواهان منسوجات ایرانی بودند. هرودیان با تأکید بر بازرگانی شکوفا و پررونق پارتیان از بافته‌های عالی آنان به عنوان یکی از کالاهای مهم تجارت میان ایران و روم یاد می کند. طبق گفته وی درخواست ثابت و پایداری برای پارچه های تولید ایران که در غرب آوازهٔ بلندی داشته، وجود داشته است (کورز- یارشاطر، ۱۳۸۰، ۶۷۵-۶۷۳).

- جایگاه ایران به عنوان گذرگاهی میان شبه قارهٔ هند، آسیای مرکزی، روسیه و دریای مدیترانه، آن را حتی پیش از شکل گرفتن جادهٔ ابریشم، سردمدار تجارت میان شرق و غرب ساخته بود. نقش ایرانیان در امور تجاری باعث گردید علاوه بر اینکه ابریشم به صورت خام و نیز به صورت منسوجات ابریشمی به بیزانس صادر شود (Matthee,1999,1) ، نقش مایه‌ها و تکنیک‌های پارچه بافی ساسانی به منبع الهامی برای هنرمندان دیگر سرزمین‌ها بدل گردد تا آنجا که جلوه و رواج شگفت انگیز اجناس ابریشمی ایرانی، کلیسای بیزانس را نگران ساخت و استفاده از ابریشم ایران را ناروا اعلام کرد(گیرشمن، ۱۳۵۰، ۲۲۶).

- با توجه به آنچه گفته شد، یکی از جریان های مؤثر بر هنر بیزانس، از سوی سوریه به ویژه شهر انطاکیه اعمال می شد که از مهم‌ترین مراکز پارچه بافی روم نیز محسوب می شدند. این مراکز خود به لحاظ طراحی منسوجات، تحت تأثیر هنر ایران قرار داشتند.

- جنگ‌های میان دو امپراتوری ایران و روم بر سر ابریشم و زمین خواهی در تأثیر تمدن‌ها بر یکدیگر بسیار مهم بود؛ کشور فاتح علاوه بر زمین، مالک گرانبهاترین و نفیس‌ترین آثار کشور مغلوب می شد. به عنوان مثال هنگامی که سربازان هراکلیوس کاخ دستگرد (کاخ خسرو دوم) را در سال ۶۲۷م. متصرف شدند، علاوه بر مقداری ابریشم خام، انبوهی جامه‌های ابریشمی و نیز فرش‌های ابریشمی گلدوزی شده را با خود بردند (Pope,1960,691).

- به هنگام صلح، نمایندگان سفارت ها همواره میان دو امپراتوری رفت و آمد می‌کردند (مذاکره در باب پیمان های صلح و یا آوردن خبر جلوس رسمی پادشاه جدید) که با تشریفات بسیار پذیرفته می شدند (گارسویان- یارشاطر، ۱۳۸۰، ۶۸۹). از مهم‌ترین هدایای دربار ایران برای نمایندگان بیزانس منسوجات ابریشمی باشکوه و البسهٔ فاخر بود که طبق سنت ایرانی به بزرگان اهدا می‌شد. عظمت و شکوه دربار ایران و زیبایی پارچه‌های فاخر البسهٔ شاهی، دربار بیزانس را به تقلید از دربار ساسانی ترغیب می‌کرد و محرکی برای دستیابی به منسوجات ایرانی و شبیه آن بود.

- با رسمی اعلام شدن آیین زرتشت در دوران ساسانیان بسیاری از مسیحیان به واسطهٔ آزارهای مذهبی به کنستانتینوپول پناه بردند. این امر نیز به عاملی برای بسط و گسترش فرهنگ و بالطبع هنر ساسانی گشت.

- پذیرش رسمی آیین مسیحیت و استفاده از منسوجات گرانبها در مناسک مذهبی، تزیین کلیساها، دیوارپوش‌ها و کفن مردگان، تقاضای کلیسا برای پارچه‌ها و بافته‌های نفیس ساسانی را افزایش داد.

- جنبش شمایل شکن‌ها و به تبع آن ممنوعیت استفاده از تصاویر و شمایل مقدسین دلیل دیگری برای توجه به مضامین و نقوش ساسانی- که از دیرباز مورد توجه روم شرقی بود- گردید.

www.SID.ir

Archive of SID

– پس از ظهور اسلام، طراحی منسوجات در ایران و سرزمین های اسلامی نیز به نوعی از ایران باستان به ویژه ساسانیان تأثیر پذیرفت. بنابراین می توان گفت تبادلات فراوانی که در آن روزگار میان اعراب و بیزانس برقرار بود، استفاده از میراث هنر ساسانی را برای مدتی طولانی مهیا ساخت.

نقوش پارچه، اشتراکات و افتراقات

نقوش مشترک (مطالب این بخش در جدول شماره ۱، به صورت تصویری نشان داده شده است.)

۱. نقوش گیاهی و تزیینی ساده که ریشه در امپراتوری‌های هخامنشی و اشکانی داشت. گیاهان مورد استفاده معمولاً عبارت بودند از: سه برگی، گل با گلبرگ قلبی شکل، گل چهارپر، رزت و ... که به صورت تک در سطح پارچه و یا به صورت ردیفی در حاشیهٔ لباس استفاده می‌شدند. نقش درخت زندگی با مفهوم نمادین جاودانگی و بی مرگی و نیز آشیان سیمرغ که از مهم ترین نقوش مذهبی مورد استفاده در بافته‌های ساسانی است در بافته‌های بیزانس نیز دیده می‌شود.

۲. نقوش حیوانی که به دو رستهٔ پرندگان و جانوران قابل تقسیم هستند :

– پرندگان: بسیاری از پارچه‌های ساسانی با نقش پرندگان تزیین یافته‌اند که در متون مقدس مانند اوستا برخوردار از نوعی زیبایی ظاهری و باطنی شمرده شده‌اند. پرندگانی اساطیری چون سیمرغ که خوش یمن، نجات بخش وعطا کننده فرالّهی بوده- فقط برای لباس پادشاهان- تا پرندگانی چون طاووس پرنده بهشت ایرانی، خروس، نویددهنده روشنایی و الههٔ خوش اقبالی، عقاب، مرغابی و... در بافته‌ها استفاده شده است. نقش عقاب خود از نقوش سنتی آثار هنری، به ویژه درفش‌های رومی بوده است.

– جانوران: نقوش جانوران افسانه‌ای چون اسب بالدار و یا حیوانات معمولی چون گراز، نشانهٔ خدای پیروزی(ورثرغن)، شیر مظهری از میترا الههٔ عهد و پیمان، قوچ نماد شاهی و فرهّ و بز به عنوان نگهبان درخت زندگی در منسوجات ساسانی کاربرد داشته‌اند. برخی از این حیوانات در پارچه‌های روم شرقی و یا کارگاه‌های وابسته به آن نیز دیده می‌شوند.

۳. نقوش انسانی: مرکزیت نقوش انسانی در پارچه‌های ساسانی، به شخص "شاه" بر می‌گشت. این امر در تمامی آثار هنری آن دوره عمومیت داشت که معمولاً شاه را در حال شکار یا جنگ- الهام از موضوعات نقاشی‌های دیواری – نشان می‌داد. این نوع طرح از محبوب‌ترین نقوش روم شرقی قرار گرفت به طوری که در اغلب منسوجات ایشان، نقش شاه در حال جنگ با حیوانات وحشی و یا شکار آنها دیده می‌شود.

۴. دیهیم سلطنتی: که در اغلب آثار ساسانی بر گردن اهورامزدا، پادشاه، و یا حیوانات نمادین به عنوان نشانه‌ای از فر الهی دیده می‌شود. این نشانه در بافته‌های روم شرقی گاه بر دُم اسبان و یا گردن پرندگان و ... قابل مشاهده است.

۵. نقوش نجومی: از معروف‌ترین نقوش نجومی مورد استفاده در بافته‌ها، نقش هلال ماه و گاه ستاره[۲۰] می باشد. نقش هلال ماه معمولاً در پارچهٔ لباس، تاج شاه و یا افراد خیلی نزدیک به وی چون ملکه استفاده می شد. ماه که نمادی از عظمت، روشنایی، قدرت معنوی است، در جزئیات نقوش منسوجات روم شرقی نیز مشاهده می‌شود.

مضامین مشترک

۱. شکار: مضامین شاه در حال شکار و یا ستیز با حیوانات وحشی از مهم‌ترین موضوعات مورد استفاده در آثار هنری ساسانی به ویژه منسوجات بود که در روم شرقی به گفتهٔ گدار، بیش از دیگر نقوش مورد تقلید قرار گرفته اند(گدار، ۱۳۷۷، ۲۹۹).

۲. وقایع نگاری برای بزرگداشت مقام شاه / امپراتور: این موضوع وقایعی همانند پیروزی در جنگ، بازگشت پیروزمندانهٔ یک امپراتور و ... را در بر می‌گیرد. شاه در کل ترکیب بزرگ تر تصویر شده و از دیگر بخش‌ها به نوعی متمایز است.

۳. تقابل انسان یا حیوان با درخت زندگی: این موضوع که از کهن‌ترین موضوعات و نقوش بین‌النهرین و ایران است در بیشتر بافته‌های روم شرقی قابل مشاهده است. در ایران گاه درخت زندگی با عناصر نمادین دیگری از دین زرتشت مثل آتشدان و در بیزانس با نقوش نمادین مسیحی چون صلیب جایگزین شده است.

۴- توجه به نمادهای مذهبی و معنا و مفهوم نقش را می توان از دیگر مضامین و نکات مشترک دانست. هنر بیزانس نیز مانند هنر ایران ساسانی، صرفاً هنری ابتدایی و متکی بر زیبایی رنگ و ویژگی های تزیینی به شمار نمی رفت.

ترکیب بندی (مطالب این بخش در قالب جدول شماره ۲، به صورت تصویری نشان داده شده است.)

ترکیب‌بندی کلی نقش در پارچه‌های ساسانی، تکثیر یک واحد در راستای افقی، زیگزاگ، متقارن یا متقابل است. این واحدها اغلب، دوایری هستند که نقش را در بر گرفته‌اند. علاوه بر آن ترکیب بندی نقوش در سطح پارچه، گاه در شبکه‌ای هندسی، لوزی یا مربع شکل جای می‌گیرد یا بعضاً خود موتیف، این طرح را می‌سازد. اما پارچه‌های ساسانی گاه از نقاشی‌های دیواری نیز الهام می‌گرفتند که معمولاً به عنوان دیوار پوش و یا آویزهای تزیینی کاربرد داشتند. در این نوع بافته ها، ترکیب بندی فاقد عناصر تکراری و مانند یک تابلوی نقاشی بود. تمامی این ترکیب بندی‌ها در منسوجات روم شرقی دیده می شود.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارهٔ ۱ - مقایسهٔ نقوش و مضامین مشترک میان منسوجات ایران ساسانی و بیزانس

مقایسه وجوه اشتراک نقوش منسوجات ایران و بیزانس	مورد مقایسه	موضوع	ساسانیان	بیزانس	وجوه اشتراک
	نقوش گیاهی		بازسازی نقش خسرو در محفظ شکار گوزن، موزهٔ بستان، متبع ؟ ۱۹	ابریشم، نقش گل بر زمینه گیاهی، کلیسای سروانتوس مقدس، ۹-۱۰ م، متبع ؟ ۶ فارس	نقوش گیاهی کار شده بر شلوار پادشاه ساسانی مشابه با نقوش گیاهی زمینه پارچه بیزانسی
				تئودورا و ملازمانش، موزاییک، کلیسای سن ویتاله، راونا، ۵۴۷ م، متبع ؟ (لاتین) و بزرگنمایی پرده درون تصویر	نقوش گیاهی کار شده بر لباس پادشاه ساسانی، کاملاً مشابه با نقوش گیاهی بر پردهٔ کاخ امپراتوریس بیزانس
	نقوش مشترک	درندگان		پارچهٔ ابریشمی جناحی بافت مرکب، امپراتور در حال شکار رو به درشت زندگی، احتمالاً کنستانتینوپل، اواخر قرن ۸ یا ۹ م، متبع : ؟(لاتین)	نقش عقاب بر حاشیهٔ شلوار شاه مشابه با نقش عقاب محاط در دایره در قسمت فوقانی پارچهٔ بیزانسی (نقش عقاب از نگاره های مورد علاقهٔ ایرانیان و رومیان بود، مانند پارچهٔ زیرین در همین بخش)
				پارچه ابریشمی از St.Germain/Auxerre، از عالی ترین منسوجات بیزانس، ۱۰۰۰ م، متبع : ؟ فارس	
			تصویر بازسازی شدهٔ نقش سیمرغ بر دوش لباس خسرو پرویز در صحنهٔ خسرو سوار بر اسب، طاق بستان، متبع ؟	پارچه با نقش خروس که هاله پر سر داود پاپیکان، سدهٔ ۶ م، متبع ؟ ۱۹	نقش مشابه پرنده اساطیری (سیمرغ) و خروس که هر دو از یک سبک پیروی می کنند نقلد از حاشیهٔ دوایر و تزئینات سر جامع پارچه ساسانی اشکار است.

www.SID.ir

Archive of SID

مقایسه وجوه اشتراک نقوش منسوجات ایران و بیزانس

مورد مقایسه	موضوع	ساسانیان	بیزانس	وجوه اشتراک
نقوش مشترک	حیوانات	 سر گراز در قاب دایره ای شکل پر شده از مروارید ، آسیانا (ترکستان چین)سده های ۶ ۷ م. مورهٔ دهلی تو ،منسج : ۱۵	 پارچهٔ ابریشمی جناحی بافت مرکب ، نقش قبل در دایره ، اواخر قرن ۱۰ م. باقیمانده از سلطنت باسیل دوم (بیزانس)، کلیسای آخن، مأخذ : ۲ (لاتن)	فرم حیوانات به صورت تک در قاب دایره ای در منسوجات ایران و بیزانس، یک طراحی کاملاً تأثیر ایران ساسانی را نشان می دهد.
	انسانی	پارچهٔ با نقش شکار از دوران ساسانیان باقی نمانده اما طبق شواهد و نیز سایر آثار هنری به ویژه ظروف فلزی بدست آمده از این دوران و نیز نقش برجسته ها ، از مهمترین نقوش در طراحی پارچه های این دوران بوده است. (یا ترکیب بندی پادشاه یا سوار در حال شکار و به صورت قرینه رو به یک محور نقاش مرکزی که معمولاً نقش درخت زندگی است.)	 پارچهٔ ابریشمی جناحی بافت مرکب کنستانتینوپول امپراتور در حال شکار رویه درخت زندگی ، نواسط قرن ۸ م. لیون ، منسج ۷ (لاتین)	صحنه شاه در حال شکار (موضوع رویه و ترکیب بندی ساسانی با برخی عناصر بیزانسی، مثلاً در مزینات لباس)
		 اتی توله،خسرو در مدال جنگ سده های ۶-۷ م. ، نقش معرق از پارچهٔ ایرانی ،منسج : ۲۰	 ابریشم ارایه زان، پارچهٔ ابریشمی جناحی بافت مرکب ، احتمالاً به دست آمده از مقبره شارلمانی (فوت : ۸۱۴ م). کنستانتینوپول ، اواخر قرن ۸ تا ۹ م. مورهٔ ویکتوریا و آلبرت ،منسج : ۳(لاتین)	تصویر پادشاه از روبرو ، با سبک یکسان ، بزرگتر از سایر عناصر و نیز در بخش مرکزی ترکیب بندی ، طراحی شده است.
	دیهیم	 آتی توله ، توق ، Mus ۶-۷ م. موزالیون ، بلژیک ، ۱۵		 دیهیم که در اغلب آثار ساسانی بر گردن اهورا مزدا ، پادشاه و یا حیوانات نمادین به جنوان نشانه ای از فر الهی دیده می شود ، در بافته های روم شرقی گاه بر دم انسان و یا گردن پرندگان و ... قابل مشاهده است.

www.SID.ir

مقایسه وجوه اشتراک نقوش منسوجات ایران و بیزانس	مورد مقایسه	موضوع	ساسانیان	بیزانس	وجوه اشتراک
	مضامین مشترک	شاه در حال شکار یا ستیز با حیوانات وحشی	توضیح پیشتر داده شد		مضمون شاه در شکار و ستیز با حیوانات وحشی از مهم ترین موضوعات مورد استفاده در آثار هنری ساسانی به ویژه منسوجات و اشیاء فلزی بود که بسیار در بافته های بیزانسی استفاده می شد .
		وقایع نگاری و پاسداشت پادشاه	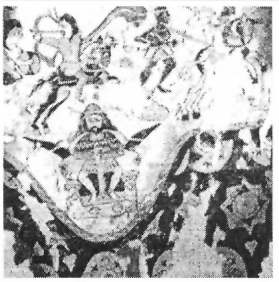		برخی منسوجات بر مبنای دیوارنگاره‌ها که به شرح وقایع مهم (پیروزی شاه در جنگ یا بازگشت پیروزمندانهٔ امپراتور) می پرداختند، همچون پارچه‌هایی نقاشی گونه تولید می شدند.
		درخت زندگی	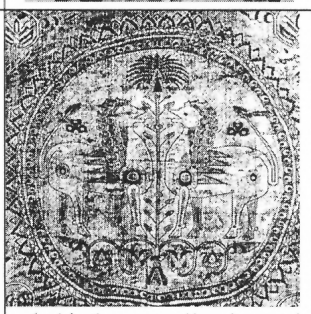 ابریشم شیران متقابل به درخت زندگی (با سبک ساسانی)، بافت زندنیجی ،مأخذ : ۴ (لاتین)	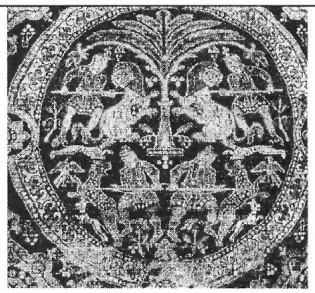 بافته ابریشمی مربوط به قرن ۸م.. بیزانس ، منبع ۶: فارسی	نقش درخت زندگی یک موضوع شرقی کهن ، با مفاهیم عمیق نمادین و مذهبی است که در هنر ایران باستان به ویژه ساسانی از عناصر اصلی بوده است (این نقش در منسوجات رومی کاربرد بسیار داشته است و گاه با مفاهیم مذهبی مسیحیت مانند صلیب پیوند خورده است)

مأخذ : (نگارنده)

نقاط افتراق

- با توجه به بافته‌های بیزانسی و مقایسه آن با منسوجات ساسانی، می‌توان گفت بیزانس سعی می‌کرده تا در پارچه‌های خود به نوعی با نقاشی رقابت کند، در صورتی که هنر ساسانی به کاربرد عوامل تزیینی و مفهومی خود یعنی سیمرغ، گراز، بز کوهی، انواع پرندگان، درختان و گیاهانی بسنده می‌کرد. به همین دلیل پارچه های دارای موتیف واحد -که بسیار هم مورد علاقه ساسانیان بود- در بافته‌های روم شرقی کمتر دیده می‌شود.
- نقش پارچه‌های ساسانی ساده تر از بیزانس می‌باشد و ابعاد تک موتیف‌ها نسبت به موتیف‌ها یا نقوش مورد استفاده در بیزانس بزرگتر است.
- صحنه‌های مذهبی مربوط به دین مسیحیت از مهم‌ترین موارد تشخیص بافته‌های بیزانس از ساسانی است. هرچند که ترکیب‌بندی و جزئیات آنها متأثر از منسوجات ساسانی است.
- استفاده از موضوعات وابسته به سنت رومی (مانند ابریشم معروف ارابه ران که دارای نقشی از ارابهٔ چهار اسبهٔ رومیان است) و نیز کاربرد نقوشی برگرفته از عناصر کهن کلاسیک (مانند پارچه هایی با نقش هرکول در حال مبارزه با شیر و نیز ابریشم‌های سامسون) [۲۱]، از نقاط افتراق چشمگیر به شمار می رود.
- برخی جزییات مانند سبک طراحی و تزیینات لباس، نوع کلاهخود و نیز چهره پردازی (که در روم شرقی معمولاً به صورت روبرو و چشمان گشاده تصویر می شود) از دیگر مواردی است که کاملاً با سبک ساسانی متمایز است.
- رنگ منسوجات ساسانی دارای درخشش کمتر ومعتدل تر بوده، در حالی که در بافته های بیزانس از رنگ‌های تند و درخشان استفاده شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارهٔ ۲- مقایسهٔ ترکیب‌بندی منسوجات ایران ساسانی و بیزانس

مقایسه وجوه اشتراک نقوش منسوجات ایران و بیزانس	مورد مقایسه	موضوع	ساسانیان	بیزانس	وجوه اشتراک
	ترکیب‌بندی	شبکه مربع	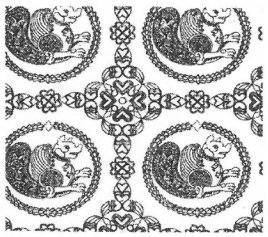		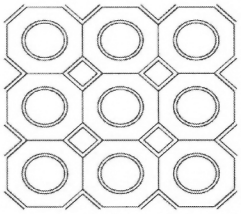 تشابه ترکیب‌بندی
		شبکه دوایر	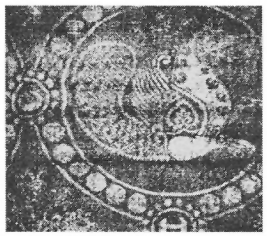 نقش سیمرغ بر پارچهٔ ابریشمینی که بقایای متبرک سن لو را در بر داشته است،سدهٔ ۷ م. موزهٔ هنرهای تزئینی پاریس، منبع : ۱۵	صحنهٔ بشارت تولد عیسی مسیح (ع) ، پیشکش شده توسط پاپ لئو سوم ،۸۰۶-۷۹۵ م. ، ابریشم جناغی بافت مرکب ، احتمالاً کنستانتینوپول ، واتیکان ، منبع : ۲ لاتین	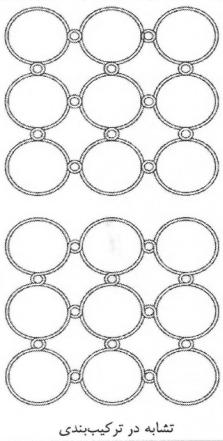 تشابه در ترکیب‌بندی
		شبکه لوزی	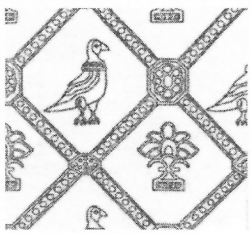 پارچهٔ ابریشمی ، ایران ، ۶-۸ م. مشابه این طرح بر روی لباس قایقران نیز در صحنهٔ شکر گراز در طاق بستان دیده می شود.(۶ م.) منبع : ۱۹	بخشی از قاب تزیینی موزاییکی دمتریوس به همراه دو کودک، سالونیکا، ۷ م. منبع : ۶ فارسی	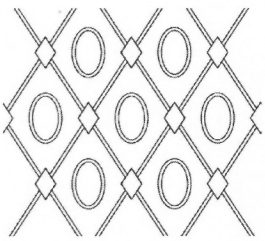 تشابه در ترکیب‌بندی

مأخذ: (نگارنده)

نتیجه گیری

با توجه به موارد بیان شده و مقایسهٔ تصویری و ساختاری میان نمونه‌های به جا مانده از منسوجات دوران ساسانی و بیزانس (جداول شمارهٔ ۱ و ۲) به سهولت می‌توان مشاهده نمود که صنعت پارچه‌بافی ایران و به تبع آن، نقوش پارچه‌ها، مضامین و ترکیب بندی آنها در زمینه‌های زیر بر هنر- صنعت نساجی بیزانس تأثیر گذارده است:

۱. در زمینهٔ نقوش، باید گفت که اکثر نقوش بیزانس در پایه و بنیاد نقوش ساسانی هستند که گاه در قالب تکرار مجدد و گاه با اندکی تغییر درجزییات (مانند طراحی لباس، یا نوع چهره پردازی، نقش ارابهٔ رومی) در تمدن بیزانس مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲. به استثنای مضامین منحصر به نقوش منسوجات بیزانسی که ناشی از تفاوت‌های مذهبی (مسیحیت) و گاه اسطوره ای و قومی (مانند نقش هرکول) است، تمامی مضامین موجود در پارچه‌های ساسانی در پارچه های بیزانسی نیز دیده می‌شود.

۳. با توجه به جدول شمارهٔ ۲ ، ترکیب‌بندی پارچه‌های هر دو تمدن دارای نقاط اشتراک بسیار زیادی است؛ یعنی ساختار شبکهٔ مربع، دایره و لوزی در اکثر ترکیب بندی ها رعایت شده است. با در نظر داشتن این نکته که این نوع ترکیب بندی ها در منسوجات ایران از سابقه ای طولانی برخوردار بوده و حداقل بنا بر مدارک مکتوب و نیز نمونه های باقی مانده به دوران هخامنشیان باز می گردد. تداوم این ترکیب‌بندی‌ها و بعضاً نقوش ذکر شده در تمدن بیزانس تا قرون میانهٔ میلادی نیز ادامه داشته است.

www.SID.ir

Archive of SID

پی‌نوشت‌ها:

۱ Barber.
۲ شهری بوده در خوزستان و بهبهان و پارچه‌ای که در آنجا بافته می‌شده را توزی می‌گفتند. ر.ک: علی سامی : تمدن ساسانی؛ پاورقی ص ۱۹۸، ۹.
۳ جامه دو پوده.
۴ پوست جانوری مثل سمور که اغلب سیاه است.
۵ قز، کلمه فارسی ابریشم خام است.
۶ جمع حوصله و نام مرغ سفیدی است که بر کنارهٔ آب‌ها می نشست و چون حوصلهٔ زیاد دارد بر واحد، اطلاق جمع کرده اند.
۷ Possy.
۸ شهری میان شوشتر و اهواز(ر.ک.لسترینج گای(۱۳۸۳) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، علمی و فرهنگی، تهران، ص۲۵۵.
۹ Sidonius Apollinariss.
۱۰ Clermont.
۱۱ Florus.
۱۲ Sericum پارچه منسوب به سرها(Ser)، کشوری اسرارآمیز که در روم قرن نخست پیش از میلاد، کسی چیزی از آن نمی‌دانست، جز آنکه در آنجا مردمی ساکن‌اند که کارشان درست کردن ابریشم است و آن نیز از نوعی درخت پشم به دست می آید ؛ و البته همان ابریشم مرغوب منظور است.
۱۳ Bombycin.
۱۴ همانطور که گیرشمن می‌گوید از دوران "مروونژین ها" به بعد پربهاترین تزیینات کلیساهای بزرگ مسیحی، دیوارپوش‌ها و پرده‌های شرقی بودند که آن‌ها را در پیش درها و بین ستون‌ها می‌آویختند. این پرده‌ها حرم‌های مقدس را از نظر پنهان می‌داشت یا روی ضریح‌هایی را که در آن‌ها شهدا و مقدسین و پیشوایان مذهبی آرام گرفته بودند را تزیین می‌کرد.
۱۵ نسطوریوس، اسقف کنستانتینوپول،معتقد بود که حضرت مسیح شخصیت دوبعدی و جدایی ناپذیری دارد که از یک سو خدا و از سوی دیگر انسان است. پیروان وی که بیشتر سوری و از شهرهایی چون انطاکیه بودند، پس از طرد شدن نظریهٔ رهبرشان، راهپیمایی طولانی‌ای را به سوی شرق آغاز کردند.
۱۶ Nastori.
۱۷ انحصار ایرانیان بر تجارت زمینی ابریشم از راه فلات ایران و از طرفی انحصار روم شرقی بر عرضهٔ ابریشم به اروپا به توافق‌هایی انجامید مبنی بر تضمین انحصار بر ابریشم از سوی ایران و روم. شهر نصیبین در قرارداد های ۲۹۷ م و ۴۰۸ م. مرکز رسمی ابریشم در آسیای غربی بود.
۱۸ Cyr.
۱۹ Coptic قبطی‌ها، بافندگان ماهری بودند که در کشور مصر سکونت داشتند ؛برخی از پارچه‌های ایشان، نقوش زینتی ساسانی همراه با عناصر هنری بومی و بیزانسی را داراست.
۲۰ ستارهٔ محاط در دایره، به عنوان علامت شاخصه کارگاه‌های نساجی ایرانی و حیوانات سلطنتی بود.
۲۱ ر.ک. دیوید تالبوت رایس ؛هنر بیزانس ؛ص : ۹۲ و ۹۳.

فهرست منابع:

بوسایلی، ماریو و امبرتو، شراتو (۱۳۷۶)، هنر پارتی و ساسانی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
بولنوا، لوس (۱۳۸۳)، راه ابریشم، ترجمه ملک ناصر نوبان ، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، تهران.
پروکوپیوس (۱۳۶۵)، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، انتشارات علمی وفرهنگی، تهران.
پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۰)، شاهکار های هنر ایران، اقتباس و نگارش پرویز خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
پیردرژ، ژان (۱۳۷۹)، جاده ابریشم، ترجمه هرمز عبداللهی، انتشارات روزنه‌کار، تهران.
۶-تالبوت رایس،دیوید (۱۳۸۳)، هنر بیزانس، ترجمه رقیه بهزادی، نشر قطره، تهران.
توین بی،آرنولد (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن از آغاز تا عصر حاضر، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۰)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۱)، طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی، انتشارات گنجینه هنر، تهران.
سامی، علی (۱۳۴۲)، تمدن ساسانی، انتشارات موسوی ، شیراز.
سید سجادی، منصور (۱۳۸۰)، دفترهای شهر سوخته؛بازتاب کوتاهی از ۱۸۰ روز تلاش در شهر سوخته، کوه خواجه و دهانه غلامان، زاهدان.
صفا، ذبیح الله (۱۳۵۰)، دورنمایی از فرهنگ ایران و اثر جهانی آن، مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی، تهران.
فرانک، آیرین ودیوید براونستون (۱۳۷۵)، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات سروش، تهران.
فریه، ر.دبلیو (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات مرزبان، تهران.
کریستین سن (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
گاردنر، هلن (۱۳۷۹)، هنر درگذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، انتشارات نگاه و آگاه، تهران.

www.SID.ir

Archive of SID

گدار، آندره (۱۳۷۷)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
گرانتوسکی و دیگران (۱۳۵۹)، تاریخ ایران ، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات پویش، تهران.
گیرشمن، رومان (۱۳۵۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران.
گیرشمن، رومان (۱۳۸۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
لسترینج گای (۱۳۸۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
نعمت اللهی، صمد (۱۳۷۳)، روش طراحی بافت پارچه، انتشارات سروش، تهران.
هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
هرمان، جورجینا (۱۳۷۳)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
واندنبرگ، لویی (۱۳۶۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
یارشاطر، احسان (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، جلد سوم- قسمت اول و سوم ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر،

Barber , E.G.W (1991), *Prehistoric Textile*, Princeton University Press,Newjersey.
Beckwith, John(1979), *Early Christian and Byzantine Art*, New York: Penguin Books,New York.
Cormack Robin (2000), *Byzantine Art*, Oxford History of Art, (Google Book Search).
P.Matthee Rudolph (1999), *The Politics of Trade in Safavid Iran :Silk for Silver*, Cambridge University Press(Google Book Search).
Pop, Arthur Upham (1960), *A Survey of Persian Art* , Oxford university Press, vol;1, part 2.
Shepherd, D.G and W.Hening(1999), *Zandaniji Identified, from the Early Islamic Art and Architecture*, by: Jonathan Bloom, Burlington.

www.SID.ir